

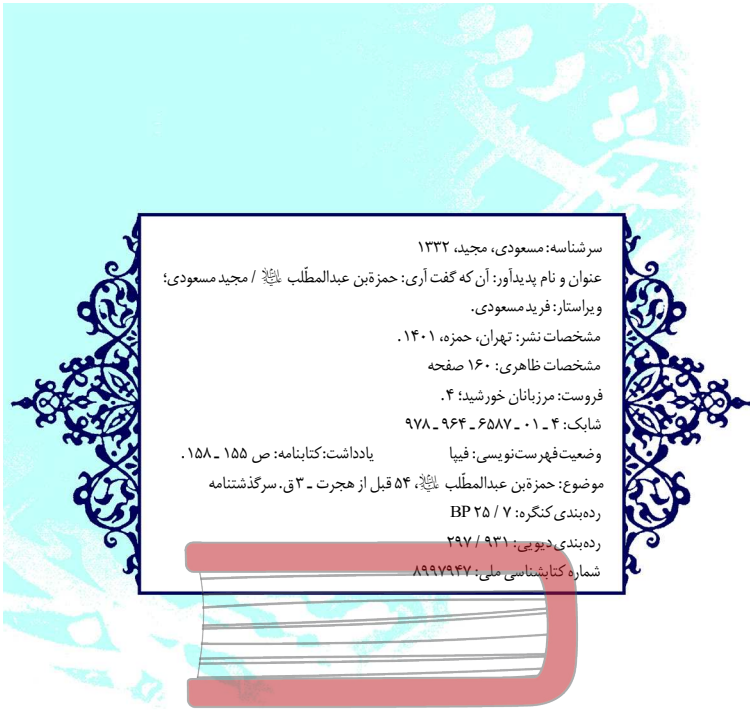
مرزبانان خورشید (۴)

آن که گفت آری

حمزة بن عبدالمطلب عليه السلام

فروشگاه تخصصی کتب دینی

مجید مسعودی



سرشناسه: مسعودی، مجید، ۱۳۳۲
 عنوان و نام پدیدآور: آن که گفت آری: حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام / مجید مسعودی؛
 ویراستار: فرید مسعودی.
 مشخصات نشر: تهران، حمزه، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۰ صفحه
 فروست: مرزبانان خورشید؛ ۰۴.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۸۷-۰۱-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۱۵۵-۱۵۸.
 موضوع: حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام، ۵۴ قبل از هجرت - ۳ ق. سرگذشتنامه
 رده بندی کنگره: ۲۵ / ۷ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۳۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۹۷۹۴۷

دینوک

آن که گفت آری

آن که گفت آری	نام کتاب:
مجید مسعودی	نویسنده:
نشر حمزه	ناشر:
فرید مسعودی	ویراستار:
امیرشاهرخ فریوسفی	طرح جلد:
ششم / پاییز ۱۴۰۲	نوبت چاپ:
۵۰۰ نسخه	شمارگان:
سورنا	چاپ و صحافی:
۹۷۸-۹۶۴-۶۵۸۷-۰۱-۴	شابک:

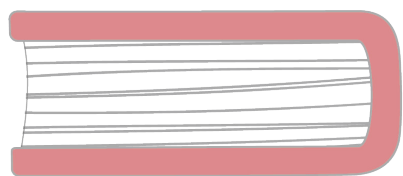
● تلفن مرکز پخش:

۰۹۱۲۴۱۴۷۶۶۲ - ۰۲۱۲۶۵۶۸۵۴۰

● نشر حمزه



فروشگاه تخصصی کتب دینی



دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی

او عليه السلام گفت: « ای شیر خدا و شیر رسول خدا! بیعت کن با خدا و پیامبرش، به وفا و استقامت در راه پسر برادرت (علی بن ابی طالب علیه السلام)

تا ایمانت را کامل نمایی.»

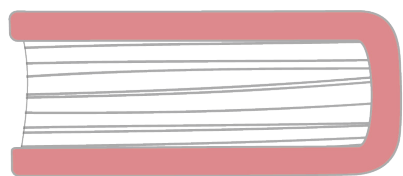
حمزه گفت: « آری، شنیدم و پذیرفتم» و دستش را برای بیعت پیش برد. این شد عهد غدیر حمزه علیه السلام پیش از غزوه بدر.

او عليه السلام گفت: « بگو که علی، امیر المؤمنین است و ...».

حمزه گفت: « آری، گواهی می‌دهم، اقرار می‌کنم، ایمان دارم و تصدیق می‌نمایم.»

و این تنه عرض دین حمزه علیه السلام پیش از غزوه احد.

« برگرفته از متن کتاب »



دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۱۵	حمزه <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> به روایت تاریخ
فصل اول	
فروشنگاهت و کتب دینی	
حمزه <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> و کتمان ایمان	
۲۵	مؤمنینی که ایمانشان را کتمان می کردند

فصل دوم

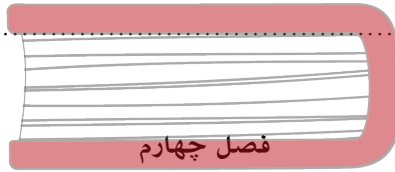
حمزه عَلَيْهِ السَّلَامُ قبل از بعثت

۳۳	در راه سفر به شام
۳۸	در مراسم خواستگاری محمد <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> از خدیجه <small>عَلَيْهَا السَّلَامُ</small>
۴۱	بشارت به ولادت علی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>

فصل سوم

حمزه علیه السلام از آغاز بعثت تا غزوه بدر

- ۴۷ اسلام آوردن حمزه علیه السلام.
- ۴۸ پیش از هجرت؛ در مکه.
- ۴۹ پس از هجرت؛ در مدینه.
- ۵۲ حدیث «سدِّ ابواب».
- ۵۹ اهلیتِ عبودیت.



فصل چهارم

حمزه علیه السلام و غزوه بدر

- ۶۳ روایت تاریخ.
- ۶۷ حقیقتِ از یاد رفته (تَبِعَةُ الرِّضَا).
- ۶۹ دینِ کامل و نعمتِ تمام.
- ۷۶ معرفتِ علی علیه السلام به نوراتیت.
- ۷۷ نکته‌ای دربارهٔ حدیث «بیعة الرِّضَا».

فصل پنجم

حمزه علیه السلام و غزوه اُحد

- ۸۱ روایت تاریخ.
- ۸۷ شهادت حمزه علیه السلام.
- ۹۵ آن که گفت آری.

- حدیث «عرض دین»..... ۹۶
- اظهار نظریک عالم شیعی ۹۸

فصل نهم

حمزه علیاً به روایت قرآن

- همسویی قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام ۱۰۱
- ۱ - سوره نساء، آیه ۶۹: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ...﴾ ۱۰۲
- ۲ - سوره توبه، آیه ۱۹: ﴿اجْعَلْتُمْ سَفَايَةَ الْحَاجِّ...﴾ ۱۰۳
- ۳ - سوره حج، آیه ۲۴: ﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ...﴾ ۱۰۳
- ۴ - سوره حج، آیه ۴۰: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ...﴾ ۱۰۴
- ۵ - سوره احزاب، آیه ۲۳: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ...﴾ ۱۰۴

فروشگاه تخصصی کتب دینی

فصل هفتم

حمزه به روایت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام

- فراتر از اندیشه ۱۰۹
- حمزه در احادیث پیامبر ﷺ ۱۱۰
- حمزه علیاً در احادیث ائمه معصومین علیهم السلام ۱۱۶

فصل هشتم

نام و یاد حمزه علیاً در احتجاجات، مناشدات و نامه‌ها

- اقرار به حق ۱۲۳

- ۱۲۴ احتجاجات
- ۱۲۶ مُناشِدات
- ۱۲۸ نامه‌ها

فصل نهم

نشان‌های سربلندی

- ۱۳۳ حمزه و معجزه موسی علیه السلام
- ۱۳۶ حمزه علیه السلام سوار بر ناقه عَصَاء در صحرای محشر
- ۱۳۷ حمزه علیه السلام بردارنده پرچم «الله اکبر» در قیامت
- ۱۳۸ گواهی بر رسالت نوح علیه السلام
- ۱۳۹ شفاعت حمزه علیه السلام از دوستانش در قیامت

فروشگاه تخصصی کتب دینی

زیارت حضرت حمزه علیه السلام

- ۱۴۳ گریزی بر حکمت زیارت
- ۱۴۸ در اهمیت زیارت حمزه علیه السلام
- ۱۵۰ زیارتنامه حضرت حمزه علیه السلام
- ۱۵۵ کتابنامه

پیشگفتار

در روزگار جوانی که دست به قلم نبرده و به توصیه بزرگواری از قبیله خوبان؛ کار بسیار خطیر و حساس نوشتن درباره معصومین علیهم السلام را به دوران میانسالی - که بی شک لغزش ها کمتر شده و پشیمانی ها کاسته می شود - موکول کرده بودم، همواره یکی از آرزوهایم نگارش کتابی درباره زندگی حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام بود. چه، آن حضرت را در میان دیگر وابستگان نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مدافعان مکتب شیعه، غریب تر احساس می کردم.

حتی حق بزرگی و قدر واقعی اش را، که در رابطه تنگاتنگ با ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رقم می خورد، در میان جمع موالیان و دوستان خانان وحی، بسی کم رنگ - و چه بسا بی رنگ - می دیدم و از این بابت، خود را در معرفی شخصیت آن حضرت متعهد می دانستم.

تا این که دوران جوانی به سر آمد و روزگار وصل فرا رسید. پس بر آن شدم که به یک تحقیق اساسی و همه جانبه در این خصوص روی آورم، هرچند در باطن نیز می ترسیدم که نکند با فقر مأخذ و منابع شیعی در این زمینه مواجه شوم. بنابراین در صدد جمع آوری مطالب برآمده و به زودی دریافتم که

پرداختن به جانِ کلام، فراتر از آن است که تصوّر می‌کردم. و چقدر از سوی محققان و تحلیل‌گران مسائل تاریخی و سیره‌نویسان، در این موردِ خاصّ - و نیز موارد مشابه - کوتاهی شده است.

اما از آن‌جا که برای نیل به این مقصود - در حدّ اقتناع خود - در پی فرصت ویژه‌ای بودم، آغاز کار برای مدتی به تأخیر افتاد تا آن‌جا که موضوعیت و اهمیت آن نیز در تطوّر زمانه، می‌رفت از خاطر برود، که درست در همان ایام، ناخواسته و به همت دست‌هایی مهربان، سفر حجّ عمره‌ای دست داد و بار سفر به سوی آن دیار بسته شد.

آری! هنوز به خود نیامده بودم که کوه اُحُد را در برابرم دیدم و بر آن ریگستان خاطره‌انگیز پای نهادم. داغ غریبی هزار ساله ناگاه بر قلبم نشست و درونم پُر از شراره‌های غربت گشت.

شرم حضور اما بیشتر مرا می‌سوخت؛ از مسامحه و سهل‌انگاری، و شاید نبود یک جو تعصّب و حمیت از جنس تعصّب و حمیت حمزه در دفاع از برادرزاده‌اش محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

به هر روی، گام پیش نهادم و نزدیکتر رفتم. حصارِ بود با دیوارهای نسبتاً کوتاه و پنجره‌هایی آهنین در ضلع ورودی اش. و پشت پنجره‌ها، قبری با سنگی ساده و ارتفاعی کم از زمین؛ که شاید بر آن نگاشته بودند: هَذَا قَبْرُ حَمْرَةَ بِنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَسَدِ اللَّهِ وَأَسَدِ رَسُولِهِ. «این، قبر حمزه بن عبدالمطلب است، شیر خدا و شیر رسول خدا».

دیگر تاب نیاوردم و پنجه در پنجره‌ها زدم. دستم کوتاه بود؛ نگاهم را به حاشیه قبر ساییدم و هوای دل را کنارش بنشاندم. آن‌گاه پیمان بستم و عهد نهادم و برای بیعت، دستِ باطن پیش بردم که: در سفر دیگر با دستِ پُر بازگردم.

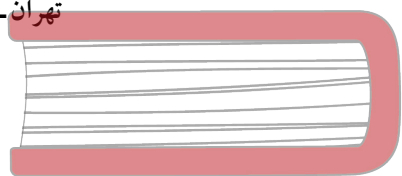
پیشگفتار / ۱۳

نمی دانم! شاید اندکی اخلاص در آن عهد و پیمان بود که امروز پس از ده سال - با همه فراز و فرودش - در حالی بار سفر حج تمتع را می بندم که آخرین برگهای این دفتر هم به پایان خود نزدیک است.

البته خودم خوب می دانم که این نوشتار قطره ای است از دریا، اما به هر حال، بهانه خوبی است برای دل به دریا زدن...

مجید مسعودی

تهران - ۳۰ / ۱۰ / ۸۲



دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی